

اوقات فراغت و فضاهای شهری تهران

محمدرضا پورمحمدی

استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تبریز

زهرا سبحانی

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی دانشگاه تبریز



مقدمه

امروز جدایی عرصه‌های امور مختلف از یکدیگر امری بدیهی است. درون یک شهر باید عرصه کار، سکونت، تفریح و ترافیک کاملاً از یکدیگر متمایز باشد. از سوی دیگر هر فعالیت باید در عرصه واجد مظاهر کالبدی ویژه و مشخص انجام شود و هر عرصه نیز به سبب وضوح پیوستگی فرم خود باید بتواند مشوق، نماینده و نگاه دارنده فعالیت باشد که اصولاً برای آن فعالیت مطرح شده است (توسلی، ۱۳۷۱: ۱). به همین دلیل تقسیم و سامان‌دهی اراضی شهری و استفاده بهینه از آن، امروز یکی از محورهای اهداف قانون‌گذاری برنامه‌ریزی شهری است. همچنین تدوین الگوها، روش‌ها و ابزارهای برنامه‌ای برای هدایت و نظارت در استفاده از زمین از جمله مباحث اساسی در برنامه‌ریزی کاربری اراضی است. میزان موفقیت و یا شکست برنامه‌ریزی کاربری زمین نیز به قابلیت این برنامه‌ها برای شناسایی عوامل و روندهای واقعی مربوط به کاربری زمین بستگی دارد. برنامه‌ریزی کاربری اراضی راهها و اهرم‌های واقعی و عملی هدایت شهر به سمت اهداف مطلوب و مورد نظر را فراهم آورد.



یکی از وظایف مهم برنامه‌ریزی کاربری زمین، برنامه‌ریزی فضاهای تفریحی- فرهنگی است. شهرهای امروزی نیازمند فضاهایی همگانی هستند تا زنده‌ترین حرکت‌های شهری در آن‌ها روی دهد. گرفتگی و اندوه در زندگی شهری امروز نیز حاکی از اهمیت این‌گونه فضاها در شهر است. (Parker 1976:27). فضاهای گذران اوقات فراغت در داخل شهر به برنامه‌ریزی خاص خود نیاز دارد. این فضاها و مؤسسات مربوط به آن نیز باید براساس برنامه‌ریزی خاص توزیع شوند تا این

بخش از فعالیت شهری، که می‌تواند به صورت بالقوه موجب غنای فرهنگی جوامع شهری باشد، با کیفیت بهتری سامان‌دهی و توزیع شود. یکی از مشکلات پایدار شهر تهران فراهم آوردن فضاهایی در شهر است که نیاز به فعالیت‌های تفریحی سالم و کافی را برای شهروندان تأمین کند. با توجه به این نیاز مشترک برای برنامه‌ریزان شهری اهمیت زیادی دارد تا با توجه به آن بتوانند کاربری‌های اوقات فراغت و فضاهای فرهنگی مربوط به آن را با چنین ضرب‌آهنگی هماهنگ

کنند. بررسی روند برنامه‌ریزی و استراتژی‌های فراغتی نشان می‌دهد که سیر تحول توسعه فضاهای فراغتی و فرهنگی در برنامه‌ریزی شهری از معیارهای کمی مانند شاخص‌های جمعیت مبنا و مقایسه سطح و سرانه‌های فراغتی شروع می‌شود. نتیجه استفاده از این معیارها دستیابی به توزیع موفق فضاهای فراغت است. موضوع اصلی مورد بررسی در این مقاله یافتن رابطه میان توزیع موفق فضاهای فراغت و اعتلای فرهنگ شهری و مشارکت شهروندان می‌باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

اهداف

کاربری‌های گذران اوقات فراغت در شهرهای بزرگ، از جمله تهران به دلیل اهمیت اوقات فراغت شهروندان در زندگی شهری اهمیت ویژه‌ای دارد. با وجود این هنوز آن‌چنان که شایسته است جایگاه اصلی و درخور خود را به دست نیاورده است. عدم مطلوبیت سطح ارائه این خدمات جذابیت و کیفیت زندگی در شهر را کاهش خواهد داد. بحث اصلی این مقاله به پایتخت ایران، یعنی شهر تهران مربوط می‌شود. در این شهر باید فضاهای

کافی برای مردم به وجود آید. هدف اصلی این بررسی یافتن پاسخ این پرسش است که آیا افزایش کمی و یا فضاهای فراغت می‌توانند فرصت‌های بازآفرینی برای مردم به وجود آورد و آیا مردم در این فضاها می‌توانند انتخاب کنند، بیاموزند و تجربیات مطبوع و ارضاکنده از اعتلای فرهنگی شهری به دست آورند؟ آیا فضاهای فراغت وسیله ملموسی برای بهبود زندگی فرهنگی شمار زیادی از مردم در جامعه محسوب می‌شود و آیا افزایش این فضاها موجبات مشارکت

بیشتر شهروندان را فراهم خواهند کرد؟
پیشینه تحقیق
تفکر مربوط به ایجاد پیوند میان برنامه‌ریزی شهری و فرهنگی به عنوان شیوه زندگی در ایالات متحده و استرالیا به وجود آمد. در اروپا نیز در دهه‌های اخیر برخی از حوزه‌های شهری این فکر را مورد توجه قرار داده‌اند. اما در اروپا و انگلستان تفکر رایج برنامه‌ریزی برای فرهنگ است نه برنامه‌ریزی با فرهنگ (Bianchini, 195-202:1991). برنامه‌ریزی شهری با رویکرد به معنی ایجاد یکپارچگی میان

هنر و بیان فرهنگی در جامعه شهری است (Evans, 2001:7). برنامه‌ریزی شهری با رویکرد فرهنگی به صورت استفاده استراتژیک از منابع فرهنگی برای یکپارچگی توسعه شهرها، مناطق و کشورهای تعریف می‌شود. زمانی که منابع فرهنگی و توسعه شهرها با یکدیگر ترکیب می‌شوند، رویکردی فرهنگی در برنامه‌ریزی شهری شکل می‌گیرد که در آن نظامی از زیرساخت‌های برنامه‌ریزی هنری به کار گرفته می‌شود. سازوکاری که برنامه‌ریزی شهری با رویکردی فرهنگی به کار می‌گیرد، شامل در نظر گرفتن طراحی شهری، هنر عمومی، حمل‌ونقل، ایمنی، فضای کار فرهنگی، مقیاس سلسله مراتبی و تسهیلات و... است. آنچه بیش از همه در این میان اهمیت دارد، استفاده از منابع فرهنگی برای کمک به توسعه فضایی شهر است. بررسی روند برنامه‌ریزی شهری در اروپا نشان می‌دهد که سیر تحول توسعه فرهنگی و دموکراسی فرهنگی در برنامه‌ریزی شهری از معیارهای کمی مانند شاخص‌های جمعیت مینا و مقایسه سطوح و سرانه‌های فرهنگی آغاز شده است که نتایج استفاده از معیارهای یاد شده دستیابی به توزیع موفق خدماتی است. امروز برنامه‌ریزی شهری در رویکرد فرهنگی درصد دستیابی به مراکز مدنی است که شهروندان بتوانند در آن به خواسته‌های فرهنگی خود دست یابند. هدف برنامه‌ریزی شهری با رویکرد فرهنگی ارتقا فرهنگی و جلب مشارکت‌های مردمی است. تجارب اروپاییان نشان می‌دهد که افزایش کمی نمی‌تواند به ارتقا فرهنگی منجر شود (Stevenson, 2003:112). برنامه‌ریزی شهری با رویکرد فرهنگی در اروپا به دنبال حمایت از فعالیت‌های فرهنگی است. در برنامه‌ریزی با این رویکرد از نظر توسعه فضاهای فراغت حمایت می‌شود و آن‌ها را به عنوان مکان‌هایی در نظر می‌گیرد که زندگی اجتماعی در آن روی

می‌دهد.

فرضیه‌های پژوهش

به نظر می‌رسد بین استفاده از فضای فراغتی در کاربری اراضی شهری و اعتلای فرهنگ شهرنشینی ارتباط وجود دارد. به نظر می‌رسد وسعت فضاهای فرهنگی در شهر تهران متناسب با رقم جمعیت و میزان مشارکت مردم در امور فرهنگی نیست.

مواد و روش‌ها

در نخستین مرحله از مطالعات مربوط به این پژوهش به تعاریف و گزارش‌های

بررسی روند

برنامه‌ریزی شهری

در اروپا نشان می‌دهد

که سیر تحول توسعه

فرهنگی و دموکراسی

فرهنگی در برنامه‌ریزی

شهری از معیارهای

کمی مانند شاخص‌های

جمعیت مینا و مقایسه

سطوح و سرانه‌های

فرهنگی آغاز شده

است که نتایج استفاده

از معیارهای یاد شده

دستیابی به توزیع موفق

خدماتی است.

شرکت‌های مشاور مناطق ۲۲ گانه مراجعه و تعاریف آن‌ها از فضاهای فراغت بازبینی شد. در این گزارش‌ها فضاهای فراغتی به عنوان زیرگروه خدمات شهری و در زمره کاربری‌های مرتبط با آن در نظر گرفته شده است. با وجود آن، جداول کاربری تهیه شده توسط این شرکت‌ها از یک منطقه به منطقه دیگر متفاوت است. در نتیجه برای رسیدن به جمع بندی کلی و ایجاد شرایط یکسان برای انجام پژوهش، کاربری‌های تکراری حذف شدند و تحلیل‌ها و ارزیابی‌ها برای بررسی

نگرش شهروندان درباره پارک، سینما، تئاتر، فرهنگ‌سرا، موزه، خانه فرهنگ و مکان ورزشی در مناطق نمونه شهر تهران انجام شد.

جامعه آماری این پژوهش از دو گروه مجزا تشکیل شده است: ۱- مناطق شهری ۲- افراد.

در نتیجه نمونه‌گیری در دو مرحله انجام شد. منبع انتخاب مناطق نمونه نیز جدول شاخص‌های ترکیبی اجتماعی-اقتصادی مندرج در طرح مطالعات پایه (فرداست) و بازنگری مطالعات جمعیت طرح مجموعه شهری تهران می‌باشد (وزارت مسکن و شهرسازی، طرح مطالعات پایه فرداست بازنگری مطالعات جمعیت طرح مجموعه شهری تهران، ۱۳۸۵: ۲۶-۳۰). (جدول شماره ۱). این رده‌بندی براساس هزینه خالص ماهانه، سرانه کاربری فرهنگی، میزان اشتغال زنان، میزان اشتغال جمعیت، نرخ رشد خانوارها، درصد فارغ‌التحصیلان از مؤسسات آموزش عالی در کل جمعیت، قیمت فروش یک مترمربع مسکن، میانگین رشد قیمت فروش یک مترمربع مسکن، میانگین رشد قیمت فروش یک مترمربع زیربنای خانوارهای دارای مسکن ملکی سهم هر منطقه در تجدید بنای شهر، سرانه ناخالص زیربنای مسکونی، نسبت ساخت و سازها با عمر کمتر از ۲۰ سال، نسبت مسکن بادوام، تراکم خانوار در مسکن صورت گرفته است (همان، ۱۳۸۵: ۳۰-۲۶). با در نظر گرفتن هدف پژوهش از میان مناطق موجود در هر رده، یک منطقه به عنوان نمونه برگزیده شد. برای محدود کردن قلمرو پژوهش، از مجموعه مناطق دسته‌بندی شده در سه رده آخر منطقه ۲۰ به عنوان جنوبی‌ترین منطقه شهر تهران و نماینده سه گروه آخر، انتخاب شد. به این ترتیب در مرحله نخست از جامعه آماری محدود مناطق ۲۲ گانه سه منطقه به عنوان گونه‌ای هدفمند و بر مبنای سه شاخص زیر انجام شد:

۱. مکانی بودن یا قلمروپذیری هر فضا
 ۲. دارا بودن عنصر ساختاری پژوهش
 یعنی مناطق فراغتی
 ۳. واقع شدن در بخش‌های شمالی،
 جنوبی و مرکزی شهر تهران
 در مرحله بعدی با توجه به وسعت
 و جمعیت ساکن در هر منطقه و با
 در نظر گرفتن روش پرسش‌نامه‌ای
 جمع‌آوری اطلاعات برای سهولت کار
 یک ناحیه به عنوان محدوده نهایی
 مطالعه و تکمیل پرسش‌نامه برگزیده و
 محاسبات مربوط به برآورد حجم نمونه
 و جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه با توجه
 به ویژگی‌های جمعیتی ناحیه منتخب
 انجام شد. مشخصات نواحی منتخب به
 شرح جدول شماره ۲ است.

روش گردآوری اطلاعات

روش استفاده شده در پرسش‌نامه به
 صورت گزینه‌های چند جوابی، بسته و بر
 اساس طیف لیکرت است. علت استفاده
 از پرسش‌نامه بسته هدایت پاسخ دهنده
 به ارائه پاسخ‌های مرتبط و جلوگیری از
 انحراف پاسخگو است. این امر تجزیه و
 تحلیل پاسخ‌ها، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
 را تسهیل می‌کند. تا حد امکان سعی
 شده ارتباط سوالات با متغیرها، دسته
 بندی ترکیبی شاخص‌ها و نتیجه‌گیری
 در تحقیق مشخص شود. به طوری که
 روشن شود از طریق کدام یک از سوالات،
 داده‌های مورد نیاز برای شاخص‌ها به
 دست می‌آید (دواس، ۱۳۷۶: ۵۵).

همچنین با توجه به پیش‌آزمون و
 تحلیل عامل سعی شد سوالات نامفهوم
 به شکل دیگری بیان شود که درک
 آن برای پاسخگو راحت باشد و سوالات
 نامربوط نیز حذف شد.

تحلیل عاملی

تحلیل عاملی با روش تحلیلی مؤلفه‌های
 اصلی از جمله تکنیک‌هایی است که در
 تعیین ابعاد سنجشی و مفاهیم زیربنایی
 مقیاس‌های این تحقیق مورد استفاده قرار
 گرفته است. تحلیل عاملی در تحقیقات
 علوم انسانی جایگاه ویژه‌ای دارد. خصوصاً

مناطق ۳ و ۱ و ۲ و ۴ و ۶	رده ۱
مناطق ۱۱ و ۱۲ و ۵ و ۱۳	رده ۲
مناطق ۱۰ و ۱۴ و ۷ و ۸	رده ۳
مناطق ۱۵ و ۲۰ و ۱۸ و ۹	رده ۴
مناطق ۱۶ و ۱۷ و ۱۹	رده ۵

جدول شماره ۱: رده بندی مناطق ۲۰ گانه شهر تهران بر حسب توسعه‌یافتگی اقتصادی و اجتماعی
 در سال ۵۷ تا ۵۸

منطقه	ناحیه	جمعیت
۱	۴	۳۰۰۰۰
۱۲	۳	۲۸۳۱۷
۲۰	۷	۳۵۰۰۰

جدول شماره ۲: مشخصات نواحی منتخب

زمانی که نیاز به کاهش ابعاد داده‌ها و پیدا نمودن و تأکید کردن بر مفاهیم پنهانی است. پس از تعیین ابعاد از طریق تحلیل عاملی، گام بعدی تعریف مقیاس‌هایی است که به کمک آن بتوان ابعاد مفهوم را اندازه‌گیری کرد و میزان پایایی یا روایی گویه‌های تشکیل‌دهنده آن را تعیین نمود (کورتز، ۱۳۷۴: ۷۳). ضریب روایی از طریق محاسبه مقدار آلفا به دست می‌آید. آلفای کرونباخ یکی از متداول‌ترین روش‌های اندازه‌گیری سنجی روایی پرسش‌ها است که براساس سازگاری درونی گویه‌های پرسش‌نامه شکل می‌گیرد. مقدار آلفای بالای ۷۵ بر روایی بالا، ۴۵ تا ۷۵ روایی متوسط و پایین از ۴۵ بر روایی کم دلالت دارد. بنابراین میزان کم آلفا در یک تحقیق دلالت بر فضای بالای وسیله اندازه‌گیری در سنجش مفهوم مورد نظر دارد. به همین دلیل برای ارزیابی میزان اعتبار مفهوم از تحلیل عاملی اکتشافی و ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی به دست آمده برای ارزیابی میزان اعتبار مفهوم فرهنگ شهری و گویه‌های آن نشان می‌دهد که مقدار ویژه عامل (۲/۲۰) و مقدار درصد واریانس تبیین‌شونده توسط این عامل (۵۵/۱) می‌باشد که دلالت بر اعتبار قابل قبول مفهوم مذکور دارد. ضریب روایی مقیاس فرهنگ شهری ۰/۷۱۸ می‌باشد که این میزان از آلفا نشان‌دهنده روایی بالای گویه‌ها در تشکیل مقیاس مذکور می‌باشد. نتایج تحلیل عاملی به دست آمده برای ارزیابی میزان اعتبار مفهوم گسترده

مشارکت و گویه‌های آن نشان می‌دهد که مقدار ویژه عامل (۲/۱۱) و مقدار درصد واریانس تبیین‌شونده توسط این عامل (۴۱/۲) می‌باشد که دلالت بر اعتبار قابل قبول مفهوم مذکور دارد. ضریب روایی مقیاس گسترده مشارکت ۰/۶۵۶ می‌باشد که این میزان از آلفا نشان‌دهنده روایی متوسط گویه‌ها در تشکیل مقیاس مذکور می‌باشد.

روش ساخت مقیاس

به منظور سنجش مفاهیم بکار رفته در این پژوهش و با استفاده از چند معرف مطلوب‌تر مقیاس‌هایی را ایجاد کرده‌ایم. برای ایجاد مقیاس معتبر که به افزایش پایایی کمک کند از مقیاس‌های چندگویه‌ای استفاده شد تا از پاره‌ای از تعریف‌ها و طبقه‌بندی‌های غلط پرهیز شود و دقت سنجش نیز افزایش یابد. در این پژوهش از تکنیک مقیاس‌سازی لیکرت استفاده شده است. براساس این تکنیک هر مقیاس دربرگیرنده پاسخ‌هایی به چند پرسش است برای پاسخ‌های تمامی پاسخ‌گویان نیز براساس میزان موافقت با نگرش مورد سنجش نمره‌ای در نظر گرفته شده است. سپس نمرات تمامی پرسش‌های پاسخگو جمع شده و نمره کل مجموعه پاسخ‌ها به دست می‌آید. در واقع این نمره مقیاس نشان‌دهنده موضع پاسخ‌گو در برابر مطلبی انتزاعی است که پرسش‌های پرسش‌نامه برای استنتاج آن در نظر گرفته شده‌اند. به منظور ساخت هر مقیاس، ابتدا برای پاسخ‌های هر گویه امتیاز صفر تا پنج در نظر گرفته شده است. عبارت دیگر برای پاسخ‌های به‌هیچ‌وجه نمره صفر، پاسخ‌های بسیار کم نمره یک، پاسخ‌های متوسط نمره سه، پاسخ‌های زیاد نمره چهار و بسیار زیاد نمره پنج در نظر گرفته شده است. سپس گویه‌هایی که یک شاخص را می‌سنجد با هم ترکیب و حداقل امتیاز به دست آمده به سه قسمت مساوی تقسیم می‌شود. سپس وضعیت فراوانی و درصد آن را با توجه به

امتیازات به دست آمده محاسبه می‌نماییم. به عنوان نمونه در این تحقیق شاخص فرهنگ شهری از چهار گویه ساخته شده است. کمترین امتیاز اخذ شده توسط پاسخگو سه و بیشترین امتیاز اخذ شده ۱۸ می‌باشد. در پایان عدد ۱۵ که حداقل سه و ۱۸ می‌باشد، بر سه تقسیم شده است. پاسخ‌گویانی که نقش فضای فراغتی را مناسب نمی‌دانند، امتیازشان بین سه تا هشت است، پاسخ‌گویانی که امتیاز آن‌ها بین هشت تا ۱۳ می‌باشد

از آنجایی که تمامی

روش‌ها و ابزارهای اجرایی

شهرسازی کارکردی

مبنی بر این واقعیت

است که جایگاه فرد در

نظام کارکردی شهر معلوم

شود، می‌توان چنین نتیجه

گرفت که تعیین سرانه‌ها

وسيله‌ای برای افزایش

کارایی شهر، سازماندهی

فضایی فعالیت‌های مختلف

و جلوگیری از بروز آشفتگی

و بی‌نظمی در نظام کارکردی

شهر است.

اظهار داشته‌اند که نقش فضای فراغتی در اعتلای فرهنگ شهری واحدی مناسب است و افرادی که امتیاز آن‌ها بین ۱۳ تا ۱۸ است در زمره افرادی هستند که نقش فضای فراغتی را در اعتلای فرهنگ شهری مناسب می‌دانند. هدف از این مقیاس سازی در پژوهش توانایی تفکیک دقیق مردم بر حسب درجات پیوستار نگرش است. به همین منظور و برای سنجش نگرش ساکنان مناطق نمونه گویه‌های طراحی و در پرسش‌نامه سنجیده شده است.

محاسبه حجم جامعه نمونه

حجم جامعه نمونه در هر سه ناحیه براساس فرمول کوکران و با در نظر گرفتن حداکثر خطای قابل قبول در سطح اطمینان ۹۵٪ و احتمال خطای ۰/۰۵ محاسبه شده است (حافظنیا، ۱۳۷۹: ۶۸). این بدان معنی است که ۹۵٪ اطمینان وجود دارد که برآورد نمونه بیش از ۰/۰۵ نسبت جزئی جمعیت فاصله ندارد و احتمال صحت گفتار ۹۵٪ است. در مجموع از میان ۳۰۰ پرسشنامه توزیع شده در نواحی منتخب مناطق نمونه ۹۲ پرسشنامه مربوط به ناحیه منطقه ۱، ۹۴ پرسشنامه مربوط به ناحیه منطقه ۱۲ و ۹۱ پرسشنامه مربوط به ناحیه منطقه ۲۰ تکمیل و جمع‌آوری شد. سپس عامل‌های مربوطه با استفاده از نرم‌افزار SPSS و روش تجزیه به مؤلفه‌های اصلی انجام شد.

یافته‌ها

به نظر می‌رسد بین استفاده از فضاهای فراغتی در کاربری اراضی شهری و اعتلای فرهنگ شهری ارتباط مستقیمی وجود دارد.

فرضیه یک در جست‌وجوی رابطه میان دو متغیر استفاده از فضای فراغتی و اعتلای فرهنگ شهری است در مورد دیدگاه شهروندان تهرانی و به منظور ارزیابی نگرش آن‌ها درباره مفهوم و سنجش مفهوم فرهنگ شهری و میزان تطبیق آن با نظریات مطرح شده در چهارچوب نظری گویه‌های مناسب برای سنجش شاخص‌ها طراحی شد. سپس براساس محاسبات تحلیل عاملی و آزمون پایایی، متغیرها دسته‌بندی شدند و جدول توزیع فراوانی پاسخ‌گویان و پاسخ‌های هر آزمون آماده شد. در پایان نتایج با استفاده از رگرسیون به لحاظ آماری مورد آزمون قرار گرفته است. گویه‌های طراحی شده برای سنجش شاخص اعتلای فرهنگ شهرنشینی در جدول شماره ۴ چهار آورده شده است.

نتایج به‌دست‌آمده از این بررسی نشان

سطح سنجش	شاخص	پرسش‌های پرسش‌نامه
ترتیبی	فرهنگ شهری	اهمیت حضور در این فضاها در افزایش فرهنگ زندگی جمعی، در نظر گرفتن آن به عنوان جزیی از زندگی شهری، تأثیر حضور در این فضاها در اعتلاء فرهنگ و زندگی شهری، تأثیر وجود این فضاها در ادامه فعالیت‌های فرهنگی در یک مکان
ترتیبی	مشارکت (دامنه)	توجه مدیران به نظرات شهروندان درباره فضاهای فراغتی، ترتیب جلسات مشترک با شهروندان، شرکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به فضاهای فراغتی، تأثیر نظرات شهروندان در بهبود این فضاها
ترتیبی	مشارکت (گستره)	شرکت شهروندان در نظرخواهی‌ها، در اختیار قرار دادن تجربه، رای دانش و کمک مالی به مدیران، در نظر گرفتن مشارکت به عنوان جزیی از زندگی شهری
فاصله‌ای	اطلاعات پایه	سن
اسمی فاصله‌ای	اطلاعات پایه	جنس، شغل میانگین اوقات فراغت

جدول شماره ۳: شاخص‌های مورد استفاده در پژوهش

گزینه‌ها	منطقه ۱	درصد معتبر	
		منطقه ۱۲	منطقه ۲۰
پایین	۳/۲	۱/۱	۱/۱
متوسط	۲۹/۰	۲۸/۹	۳۶/۳
بالا	۶۷/۷	۷۰/۰	۶۲/۶
کل	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی مقیاس فرهنگ شهری

می‌دهد در هر سه منطقه مطالعاتی بیشتر پاسخ‌گویان نقش فضای فراغتی را در ارائه فعالیت‌های فرهنگی در یک مکان زیاد ارزیابی کرده‌اند. همچنین درصد قابل توجهی از پاسخ‌گویان نقش حضور در فضای فراغتی را در اعتلای فرهنگ خود زیاد و بسیار زیاد ارزیابی کرده‌اند و وجود فضای فراغتی را جزئی از زندگی و فضای شهری محسوب کرده‌اند. این امر نشان می‌دهد دیدگاه‌های شهروندان تهرانی تعیین‌کننده نظریات بوم‌شناسان شهری، ویرث و زوکین می‌باشد. با وجود این محاسبات ریاضی برای یافتن رابطه معنادار ریاضی میان این دو متغیر حکایت از آن دارد که میان استفاده از کاربری فراغتی و اعتلای فرهنگ شهرنشینی رابطه خطی (معنادار ریاضی) وجود ندارد.

در بخش تأثیر فضای فراغتی در میزان مشارکت شهروندان برآورد تعداد افراد، بررسی فعالیت‌های آنان و پیش‌بینی نیازهای فراغتی آنان است. از آنجایی که تمامی روش‌ها و ابزارهای اجرایی شهرسازی کارکردی مبتنی بر این واقعیت است که جایگاه فرد در نظام کارکردی شهر معلوم شود، می‌توان چنین نتیجه گرفت که تعیین سرانه‌ها وسیله‌ای برای افزایش کارایی شهر، سازماندهی فضایی فعالیت‌های مختلف و جلوگیری از بروز آشفتگی و بی‌نظمی در نظام کارکردی شهر است. نتایج پرسش‌نامه به منظور سنجش نگرش ساکنان نیز تأیید کننده این عدم تناسب میان تعداد جمعیت و امکانات موجود می‌باشد. در بخش ارزیابی نگرش ساکنان در باب تسهیلات فضاهای فراغتی محل سکونت خود اکثر ساکنان توزیع فضاهای فراغتی را تا حدودی مناسب اعلام کرده‌اند.

در منطقه ۱۲ نیز بررسی سطح فضاهای فراغتی حکایت از آن دارد که تنها ۳/۳ درصد از کل کاربری‌های منطقه به فضای فراغتی اختصاص یافته است (طرح تفصیلی منطقه ۱۲، ۱۳۸۵:۱۵۶).

همچنین اطلاعات مندرج در طرح تفصیلی منطقه نیز سرانه فضای سبز منطقه را ۳۲٪ مترمربع برای هر نفر ذکر کرده که این مقدار نیز در چند نقطه محدود مانند پارک شهر و پارک‌های سه‌گانه محور شوش متمرکز شده است. بیشتر بافت‌های متراکم منطقه فاقد فضای فراغت می‌باشند. با فرض ثابت بودن و یا رشد ناچیز خدمات فراغت و برآورد جمعیتی منطقه ۱۲ در سال ۱۴۰۰ (حدود ۲۴۳۰۰۰ نفر) و رشد سالانه درصد در سال (طرح تفصیلی منطقه ۱۲، ۱۳۸۵:۱۵۶). این کمبود و عدم تناسب بسیار عمده و قابل توجه خواهد بود. نگرش پاسخ‌گویان در جواب به گویه‌های طراحی شده برای سنجش توزیع مناسب فضاهای فراغت نیز حکایت از تأیید این امر دارد.

در منطقه ۲۰ نیز وضعیت مشابهی حاکم است. طرح تفصیلی منطقه ۲۰ کاربری‌های فراغت این منطقه را ۱/۵ درصد کل کاربری‌های موجود منطقه ذکر کرده است (طرح تفصیلی منطقه ۲۰، ۱۳۸۵:۹۶). این امر با توجه به جمعیت فعلی منطقه (حدود ۳۳۴۰۰۰ نفر) بسیار نامناسب است. با فرض ثابت بودن و یا رشد ناچیز خدمات فراغتی و برآورد جمعیتی منطقه در سال ۱۴۰۰ (حدود ۵۲۹۰۰۰ نفر) و رشد سالانه ۱/۲۹ درصد در سال (طرح تفصیلی منطقه ۲۰، ۱۳۸۵:۹۶). این کمبود و عدم تناسب بسیار عمده و قابل توجه خواهد بود.

در بخش دوم بررسی‌های مربوط به آزمون فرضیه دوم به نقش وسعت فضاهای فراغتی در تحقیق مشارکت مردم در امور فرهنگی پرداخته شده است. در این بخش نگرش شهروندان در باب زمینه‌های مشارکت و نقش فضاهای فراغت در ترغیب شهروندان به مشارکت سنجیده شده است. در بخش تأثیر وسعت فضای فراغت در میزان مشارکت با استفاده از نتایج پرسش‌نامه و روش‌های

آماري تأثیر این دو متغیر به شرح زیر محاسبه شد. مشارکت داوطلبانه، ارادی و آگاهانه افراد، گروه‌ها و سازمان‌های تشکیل‌دهنده یک جامعه در فعالیت‌های فراغت یک جامعه است. وجود و ضرورت مشارکت به طور ارادی، داوطلبانه و آگاهانه افراد گروه‌ها و سازمان‌ها حکایت از تنوع مشارکت‌کنندگان و جمعی بودن امر مشارکت فرهنگی دارد و گسترده‌ی مشارکت را نشان می‌دهد. در نتیجه لازم است درباره تنوع مشارکت‌کنندگان و

در کشورهای جهان

سوم، فعالیت‌های

نقش آن در زندگی،

شکل‌گیری فرهنگ

شهری و ارتقای

مشارکت کمتر مورد

توجه برنامه‌ریزان

شهری قرار می‌گیرد،

فضای فراغتی است.

ویژگی‌های آنان بررسی مناسبی صورت گیرد. به همین دلیل در پرسش‌نامه گویه‌هایی طراحی شد که دامنه (میزان تمایل مدیران به فراهم آوردن زمینه شرکت شهروندان) و گسترده‌ی مشارکت (تمایل شهروندان به شرکت داوطلبان در فعالیت‌های فرهنگی) را بسنجد.

شواهد تجربی نشان می‌دهد که ضریب همبستگی وسعت فضای فرهنگی در میزان مشارکت مردم به اندازه ۰/۲۴ است. نسبتی از واریانس متغیر مشارکت مردم که توسط وسعت فضای فرهنگی

تبیین شده است معادل $0/059$ می باشد این مقدار معنادار است.

تابع رگرسیون (متغیر وسعت فضاهای فراغت) $y=25/20+0/580$

عرض از مبدأ معادل $25/20$ است. به این معنا که اگر وسعت فضای فرهنگی ثابت بماند، پایه مشارکت به اندازه $25/20$ است. حال اگر متغیر وسعت فضای فرهنگی وارد تحلیل شود، شواهد نشان می دهد که به ازای هر واحد افزایش به متغیر مثبت فضای فرهنگی به اندازه $0/580$ واحد تغییر مثبت در متغیر مشارکت مردم قابل تخمین است. به طور کلی شواهد به دست آمده فرضیه اول را تأیید می کند.

نتیجه گیری

در دنیا شهرها را نماد پیشرفت و جلوه گاه فرهنگ ساکنان و نمونه ای از ساختار تمدنی جامعه شهرنشین می دانند، به گونه ای که بسیاری از شاخص های اجتماعی و اقتصادی براساس موجودیت شهرها سنجیده می شود. با وجود این، در کشورهای جهان سوم به ندرت می توان شهری را یافت که رشد و توسعه آن با طرح و برنامه از پیش تعیین شده رخ داده باشد (Mitchell, 2005: 24-30). در کشورهای جهان سوم، فعالیتی که نقش آن در زندگی، شکل گیری فرهنگ شهری و ارتقای مشارکت کمتر مورد توجه برنامه ریزان شهری قرار می گیرد، فضای فراغتی است. در حال حاضر در کلان شهرهایی مانند تهران، زندگی ماشینی، روابط مجازی، فروشگاه های بزرگ، مراکز فروش دور از مناطق مسکونی، نبود یا کمبود فضاها در عرصه های عمومی در محدوده محله ها و نواحی منجر به از دست رفتن روابط محله ای و منطقه ای شده است. خصوصی شدن اوقات فراغت، گذراندن زمان زیاد در منزل، کاهش ارتباط میان افراد و شهروندان، کمبود وقت برای گذران اوقات فراغت و تخلیه فشارهای ناشی از مشکلات زندگی روزانه گسترش یافته

متغیر	R	Sig	N
مشارکت	۱۶۰	۰/۰۱	۲۵۸

جدول شماره ۵: ضریب همبستگی متغیر وسعت فضای فراغت و مشارکت

R	R square	Adjusted square	B	T	F	Sig
۰/۲۴۲	۰/۰۵۹	۰/۰۵۵	Constant	۲۵/۲۰۴		
			وسعت فضاهای فراغتی	۰/۵۸۰	۱۳/۴۷۱	۱۶/۹۳۳
						۰/۰۰۰

جدول شماره ۶: وسعت فضاهای فراغت در مشارکت

گزینه ها	منطقه ۱	منطقه ۱۲	منطقه ۲۰
پایین	۴/۲۰	۶/۵	۵/۵
متوسط	۵/۶۴	۳/۷۳	۵/۵۰
بالا	۱/۱۵	۱/۲۱	۰/۴۴
کل	۰/۱۰۰	۰/۱۰۰	۰/۱۰۰

جدول شماره ۷: توزیع فراوانی مقیاس مشارکت (گستره و دامنه)

و موجب تشدید بحران‌های شهری شده است (Wall, 2002:33). در نتیجه شهرهای امروزی به‌گونه‌ای هستند که حس از خود بیگانگی را در شهروندان تقویت می‌کنند و احساس جدایی و انزوا را میان آن‌ها تشدید می‌نماید. این معضل ضرورت توجه به نیازها، دیدگاه‌های شهروندان، توجه به ظرفیت‌های آنان در حل مشکلات شهری را آشکار می‌نماید. در این پژوهش تلاش شد با استفاده از برخی روش‌های ریاضی ارتباط احتمالی میان افزایش کمی این فضاها و اعتلای مفهوم فرهنگ شهری یافت شود. نتایج به‌دست‌آمده از محاسبات نشان‌دهنده این امر است که رابطه خطی و معناداری میان این دو متغیر وجود ندارد. این عدم وجود رابطه را می‌توان ناشی از گستردگی مفهوم فرهنگ شهری دانست. دیدگاه‌ها و شیوه‌های متفاوت بیان مفهوم فرهنگ شهری گویای تنوع نظریه‌های موجود میان متفکران مسائل شهری است. جامعه‌شناسان شهری (مانند اندیشمندان مکتب شیکاگو) مفهوم فرهنگ شهری را در معنای شهری بودن جستجو کرده‌اند. وبر خصلت ویژه فرهنگ شهری را عقلانیت حاکم بر واکنش‌های شهروندان می‌داند. اشپینگر مفهوم فرهنگ شهری را تضاد اصلی نظم زندگی شهری و روستایی می‌داند. ویرث فرهنگ شهری را گرایش فزاینده شهروندان به نحوه خاص زندگی شهری عنوان کرده است. مامفورد شهر را مکانی می‌داند که پیچیدگی فرهنگی در آن نمایان می‌شود (مامفورد، ۱۳۸۶: ۷۵). هدف از بیان این نمونه‌ها بیان کامل دیدگاه‌های موجود درباره فرهنگ شهری نیست بلکه توضیح این نکته است که در متون و منابع شهرسازی مباحثی درباره مفهوم فرهنگ شهری وجود دارد که برداشت‌های مختلف از آن می‌تواند نقشی تعیین‌کننده بر نحوه ارائه مفهوم داشته باشد. در مجموع یافتن تعریفی از فرهنگ شهری به‌گونه‌ای که تمام جنبه‌های آن

را پوشش دهد بسیار مشکل است، زیرا فرهنگ شهری مفهومی پیچیده، جامع و چندبعدی است و از یک جامعه به جامعه دیگر متفاوت است. در واقع تنها یک ذهنیت انسان شناسانه از فرهنگ شهری می‌تواند مبنای لازم برای توصیف آن و یافتن ارتباط آن با کاربری‌های فراغتی باشد. فرهنگ شهری مجموعه کامل مشخصه‌های ممیزه روحی، مادی، فکری و عاطفی است که جامعه شهری را مشخص می‌سازد. به مجموعه عوامل پیش‌گفته باید هنرها، نوشته‌ها، اشکال زندگی، حقوق اساسی انسانی، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و اعتقادات را نیز افزود. به هر حال مفهوم فرهنگ شهری که ویژگی مهم آن کلی و مبهم بودن آن است، محدودیت‌هایی نیز دارد و تبادل و تغییر متقابل را توضیح نمی‌دهد. علاوه بر این به مراحل تکامل آن نیز توجه نشده است، مرحله‌ای که به دلیل پویایی خود آن‌ها تحت تأثیر جهانی‌شدن، مدرنیزه‌شدن و فرایندهای طبیعی اجتماعی، اقتصادی و فنی می‌باشد (Bianchini, 1999: 195-203). مفهوم فرهنگ شهری بسیار پیچیده‌تر از آن است که بتوان تنها با توسعه کمی و تشویق شهروندان به استفاده از فضاهای فراغتی آن را اعتلا بخشید. آیا فرهنگ شهری اشاره به شیوه‌ای خاص از زندگی است؟ آیا مجموعه اعمال، افکار و رفتارهای انسان شهرنشین است؟ آیا بر توانایی‌های انسان شهرنشین در بیان خود، تعیین موقعیت خود در جهان، خلق محیط‌زیست به ویژه بیان روش‌های برقراری ارتباط وی دلالت دارد؟ آیا فرهنگ شهری معرف ارزش‌های خاص است؟ (در این صورت نتایج این پژوهش بیانگر این نکته است که تنها با استفاده از فضاهای فراغتی نمی‌توان این ارزش‌ها را اعتلا بخشید. زیرا ارزش را به طور کلی نمی‌توان توسعه داد، تنها می‌توان میزان دسترسی به آن‌ها را فراهم آورد. بنابراین مفهوم فرهنگ شهری در عین پیچیدگی

کارآیی خود را دارد و در مطالعات و بررسی‌هایی از این دست که باید از آن استفاده نمود. فرهنگ شهری می‌تواند فرآیندی طبیعی باشد که حاصل نوعی زندگی شهری است، یا ممکن است به گونه‌ای آگاهانه کسب شود (آگوستین، ۱۳۷۲: ۹۵). شاخص اعتلای فرهنگ شهری به‌گونه‌ای است که تنها نمی‌توان با افزودن به فضاهای فراغتی و تشویق شهروندان به مشارکت در فضاهای شهرنشینی با ارزش‌های غیر محسوس به شدت گره خورده است، بنابراین برنامه‌ها و سیاست‌های مربوط به اعتلای فرهنگ شهری باید کاملاً روشن و منسجم باشد. نتیجه به‌دست‌آمده از این پژوهش به مفهوم حذف، نادیده گرفتن یا کم‌اهمیت تلقی کردن افزایش کمی فضاهای فراغتی نیست. با وجود این فرهنگ شهری در کلان شهرهای جهان سومی در سیطره کامل نهادهای اقتصادی، سیاسی و ناهنجاری‌های اجتماعی قرار دارد. در نتیجه به‌نظر می‌رسد بیش از فضای فراغتی، تصمیم و رفتارهای اقتصادی و

**در شهرنشینی جدید
برای تحقق مشارکت
به فضاهایی متنوع
نیاز است تا کارکرد
فراغت از حیطة و
حریم خصوصی
زندگی به فضاهای
باز و عمومی
کشانده شود.**

سیاسی مفهوم فرهنگ را در شهر تهران شکل می‌دهد. به نظر نگارنده مفهوم این نتیجه این است که افزایش کمی بعد از تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های روشن فرهنگی در شهرها معنادار خواهد بود. در باب اهمیت مشارکت و نقش فضاهای شهری در افزایش آن بیان این نکته ضروری است که گسترش مشارکت شهروندان نیازمند وجود فضاها، ابزارها و زمینه‌های خاص می‌باشد (کائوتری، ۱۳۷۹: ۴۳). در همین ارتباط مدیران ارشد شهری باید تلاش کنند و با ایجاد زمینه‌های لازم فرصت آزادی پتانسیل‌های مشارکت مردمی را فراهم آورد. پژوهشگران غربی مسجد و میدان را از عناصر اصلی فضای شهری برای تحقق مشارکت شهروندان در گذشته می‌دانند (کریر، ۱۳۷۵: ۶۷). در شهرنشینی جدید برای تحقق مشارکت به فضاهایی متنوع نیاز است تا کارکرد فراغت از حیطة و حریم خصوصی زندگی به فضاهای باز و عمومی کشانده شود. تردیدی نیست مشارکت از ابعاد توسعه اجتماعی فرهنگی و اقتصادی در جامعه است. نقش مشارکت مردمی در برنامه‌های شهری از عوامل مهمی است که باید در برنامه‌های شهری مورد توجه قرار گیرد. مشارکت فرآیندی است که مردم می‌توانند با استفاده از آن خود را سامان دهند و از طریق آن می‌توانند در فعالیت‌های توسعه محلی قابلیت و توان اظهار نظر بیابند (کوثری، ۱۳۷۹: ۲۴). برخی از مشکلات ساختاری و عملکردی در عدم تحقق پدیده مشارکت ناشی از نارسایی‌های فضایی است که در شهرها وجود دارد. راپاپورت بر این باور است که با نظم و سامان‌دهی فضاها می‌توان فضاهای مناسبی ایجاد کرد که انجام فعالیت‌های مطلوب (از جمله مشارکت) را تسهیل و ترغیب کند (یاراحمدی، ۱۳۷۸: ۶۵). در نتیجه می‌توان فضاهای شهری را به گونه‌ای ایجاد و الگوسازی کرد که منجر به فراهم آوردن زمینه‌های مشارکت

شهروندان شود. نتایج این بررسی نشان دهنده اهمیت برنامه‌ریزی برای حضور بیشتر مردم در فضاهای فراغتی، نقش این فضاها در تقویت روحیه مشارکت و تشویق آنان در بهسازی محیط زندگی جمعی در شهرها استفاده از خرد جمعی و پرورش شهروند فعال است. در برنامه‌ریزی فضاهای فراغتی باید نقش تمام عوامل و نیروهای مؤثر در شهر مورد توجه و نحوه حضور و دخالت آن‌ها در تحولات حال و آینده شهر مدنظر قرار گیرد. شهر سکونت گاهی است که به تمام شهروندان تعلق دارد. از آنجایی که هدف کلی تمام برنامه‌ریزی‌ها و طراحی‌ها تأمین آسایش و رضایت شهروندان است، طبیعی است که آن‌ها در شکل‌گیری، توسعه چگونگی بهره‌مندی از امکانات شهری دخالت فعال و مؤثر داشته باشد.

منابع

راپاپورت، امس (۱۳۶۶). منشأ فرهنگی مجتمع‌های زیستی، ترجمه راضیه رضازاده، تهران: دانشگاه علم و صنعت.
کورتز، نورمن. آر (۱۳۷۴). مقدمه‌ای بر آمار در علوم اجتماعی، ترجمه حبیب‌الله تیموری، تهران: نشرنی.
حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۷۹). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: انتشارات سمت
فیلد، برایان؛ مک‌گروور، برایان (۱۳۷۶). کنون پیش‌بینی در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، ترجمه فاطمه نقی‌زاده، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
کائوتری، هونیسن (۱۳۷۹). مشارکت در توسعه، ترجمه هادی غبرایی و داود طبایی، تهران: روش کریر، راب (۱۳۷۵). فضاهای شهری، ترجمه دکتر خسرو هاشمی نژاد، تهران: جهاد دانشگاهی.
کوثری، مسعود، نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۷۹). مشارکت فرهنگی، تهران: آن.
مدنی‌پور، علی (۱۳۷۹). طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرایند اجتماعی و مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری
مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، نهاد مشترک مسئول تهیه طرح‌های جامع و تفصیلی شهر تهران (۱۳۸۴). طرح جامع تهران، مبانی و روش‌های تهیه اسناد طرح راهبردی تحولات

کالبدی شهر تهران، خدمات شهری، تهران: بوم‌سازگان.
دواس. ای. د (۱۳۷۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران (۱۳۸۴). طرح جامع تهران، مبانی و روش‌های تهیه اسناد طرح راهبردی تحولات کالبدی شهر تهران، مطالعات فرادست (جمعیت). تهران: بوم‌سازگان
وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، به خاطر مشترک مسئول تهیه طرح‌های جامع و تفصیلی (۱۳۸۵). طرح تفصیلی منطقه ۱۲، تهران: مهندسان مشاور باوند.
وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، نهاد مشترک مسئول تهیه طرح‌های جامع و تفصیلی (۱۳۸۵). طرح تفصیلی منطقه یک، تهران: مهندسان مشاور بافت شهر.
وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، نهاد مشترک مسئول تهیه طرح‌های جامع و تفصیلی (۱۳۸۵). طرح تفصیلی منطقه ۲۰، تهران: مهندسان مشاور پیراوش.
مامفورد، لوییز (۱۳۸۶). سرهنگ شهرها، ترجمه عارف اقوامی مقدم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری.
یار احمدی، امیر (۱۳۷۸). به‌سوی شهرسازی انسان‌گرا، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
آگوستین، ژرار (۱۳۷۲). تجارب فرهنگی، تجارب و خط‌مشی‌ها، ترجمه عبدالمجید زرین قلم، تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی.
توسلی، محمود (۱۳۷۱). طراحی فضای شهری: فضای شهری و جایگاه آن‌ها در زندگی و سیمای شهری، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری.
برگرفته از نشریه علمی-پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی دانشگاه تبریز شماره ۳۵.